

برنامه درسی پنهان

زهرا برزگر^۱، فاطمه علیشاهی^۲، فاطمه برزگر^۳، فاطمه بیک^۴

۱- آموزگار، آموزش و پرورش استان گلستان، شهرستان گنبد کاووس (نویسنده مسئول)

۲- آموزگار، آموزش و پرورش استان گلستان، شهرستان گرگان

۳- آموزگار، آموزش و پرورش استان گلستان، شهرستان آزادشهر

۴- آموزگار، آموزش و پرورش استان گلستان، شهرستان رامیان

چکیده

برنامه درسی پنهان را باید یکی از سرمایه‌های مفهومی رشته برنامه درسی به شمار آورد. طرح این مفهوم سبب شده است تا نگاه سطحی نگرانه نسبت به پدیده برنامه درسی کاهش یافته و پویایی‌های آن رصد شود. اگر چه این مفهوم نخستین بار توسط فیلیپ جکسون مورد استفاده قرار گرفت، اما در طی چند دهه گذشته بسیار مورد توجه نظریه پردازان حوزه برنامه درسی قرار گرفته است. این تنوع دیدگاه‌ها و نظریه‌ها از یک سو باعث غنای تئوریک مفهوم برنامه درسی پنهان شده و از سوی دیگر شناخت و درک آن را برای بسیاری از افراد مشکل نموده است.

واژه‌های کلیدی: برنامه، برنامه درسی، پنهان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

هم زمان با نهادینه شدن نقش و اهمیت تعلیم و تربیت در توسعه جوامع و بالندگی نسل جوان و نوجوان، تلاش های بسیاری برای قانونمند کردن این فرایند خطیر آغاز شد و تعلیم و تربیت به انشعابات متعددی تقسیم گردید. در این میان برنامه های درسی به عنوان قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش مورد توجه بیش از پیش قرار گرفت. و بدین ترتیب برنامه ریزی درسی به یکی از حوزه های تخصصی و در عین حال بحث انگیز تعلیم و تربیت مبدل گردید. پژوهش در مورد برنامه درسی به عنوان یک رشته تحصیلی از سال ۱۹۳۸ در کالج تربیت معلم دانشگاه کلمبیا وارد صحنه علمی شد و در سال ۱۹۴۹ تیلر در کتاب خود با عنوان "اصول اساسی برنامه درسی و آموزشی" چهار سؤال بنیادی را مطرح کرد: ۱- مرکز آموزشی چه اهداف تربیتی را باید پیگیری کند؟ ۲- تجربیات یادگیری چگونه باید انتخاب شوند تا ما را در تحقق اهداف تربیتی یاری دهند؟ ۳- چگونه می توان تجربیات یادگیری را به نحو موثری در امر تدریس سازمان داد؟ و ۴- چگونه می توان تحقق تجربیات یادگیری را ارزیابی کرد؟ طرح این سؤال ها از طرف تیلر موجب فراهم آوردن زمینه علمی برای متخصصانی همچون گالن سیلور، ویلیام الکساندر و هیلدا تابا شد. در اوایل ۱۹۸۰، متخصصان برنامه درسی همچون الیوت آیزنر، الیزابت والنس، جان میلر، دکر واکر، دورتی هونیک، ویلیام پاینر، آنتونی پنا و هنری جیرو موفق به طراحی و ارائه نظام متاتئوریک در خصوص برنامه درسی شدند که موجبات ارائه مفاهیم دقیق و فراگیر برنامه درسی در سه مقوله کلی برنامه درسی آشکار (صریح)، برنامه درسی پنهان (مستتر) و برنامه درسی عقیم (پوچ) را فراهم کردند. هدف از مقاله حاضر این است که شناختی نسبت به برنامه درسی پنهان پیدا کند.

۲- انواع برنامه درسی:

آیزنر معتقد است که مدارس به طور همزمان مبادرت به تدریس سه برنامه ی درسی می نمایند. این سه برنامه عبارتند از: برنامه ی درسی صریح، آشکار (رسمی)، برنامه درسی پنهان (ضمنی) و برنامه درسی پوچ. این برخلاف تصور رایج نسبت به برنامه ی درسی مدارس است که آن را پدیده ای تک بعدی می دانند و مدارس را صرفاً بستر اجرای برنامه های درسی صریح می پندارند.

برنامه ی درسی آشکار و رسمی: منظور از برنامه ی درسی رسمی، فعالیت های برنامه های درسی هستند که نظام آموزشی آن ها را به طور رسمی اعلام می کند و در بسیاری از موارد در قالب کتاب های درسی در مدارس و مراکز آموزش عالی تدریس می شود.

برنامه ی درسی پوچ یا تهی: هرگاه نظام برنامه ریزی درسی برخی از مفاهیم و مسائل را عملاً در برنامه های درسی نگنجاند و یا مطالب گنجانیده شده در برنامه های درسی یا کتاب های درسی با سن عقلی دانش آموزان و دانشجویان متناسب و برای آن ها قابل فهم نباشد، برنامه ی درسی را برنامه ی درسی پوچ می نامند. [۳]

تاریخچه برنامه درسی پنهان: جکسون از جمله اولین افرادی است که در کتاب خود "زندگی در کلاس درس"، بحث برنامه درسی پنهان را به تفصیل مطرح می کند. در بخشی از کتاب وی که در کتاب مطالعات برنامه درسی در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده، وی شرح فعالیت های روزمره در مدرسه را با جزئیات بیان کرده و حتی با مؤسسات دیگر نظیر کلیسا، شرکت، سینما و غیره مورد مقایسه قرار داده است. وی ذکر می کند که هر دو جنبه زندگی در مدرسه، چه آن جنبه ای که همه می شناسند و

چه جنبه ای که بدون توجه از کنار آن رد می‌شویم هر دو برای ما آشناست. اما مورد دوم بیشتر مواقع مورد بی توجهی واقع می‌شود در حالی که مستلزم دریافت توجه بیشتر به ویژه از سوی متخصصین آموزش است. جکسون به توصیف جو اجتماعی مدرسه پرداخته و می‌گوید اگرچه معلم هر سال تلاش می‌کند دکوراسیون کلاس، چیدمان نیمکت ها، رنگ دیوار و نوع نیمکت را عوض کند ولی مدرسه همان مدرسه است و تعاملاتی که در آن صورت می‌گیرد، همان تعاملات. دانش آموز در مدرسه علاوه بر انجام تکالیف باید پایبند قواعد مدرسه و کلاس باشد و چه بسا این پایبندی نسبت به پیشرفت علمی دانش آموز، نقش بیشتری در موقعیت وی در مدرسه داشته باشد. دانش آموز در مدرسه باید از استراتژی‌هایی برخوردار باشد که بتواند با تعارضات روزمره بین تمایلات و علائق شخصی خود و انتظارات مدرسه تعادل برقرار نماید و این امر کلاس درس را به یک مکان خاص مبدل می‌سازد. مهرمحمدی برنامه درسی پنهان و برنامه درسی پوچ را جزء مفاهیم نسبتاً تازه و روشنگرانه ای می‌داند که صاحب نظران برنامه درسی مطرح ساخته اند. وی قرار دادن این دو نوع برنامه درسی در کنار برنامه درسی آشکار را حاکی از ضرورت توجه به تمامیت آنچه یادگیرندگان در اثر حضور در متن نظام رسمی آموزش تجربه می‌کنند و می‌آموزند، می‌داند. بنابراین، از دید وی باید این مفاهیم را به مثابه ابزارهای سودمند ذهنی دانست که در خدمت کلیه کسانی که مایل هستند با نظام آموزشی و پدیده برنامه درسی به صورت همه جانبه و عمیق روبه رو شوند، قرار دارد. [۸]

۳- مفهوم برنامه درسی پنهان:

گفته می‌شود نخستین دانشمندی که برای نخستین بار واژه برنامه درسی پنهان را نام برد فیلیپ جکسون بود که در سال ۱۹۶۸ کتاب (زندگی در کلاس درس) را تدوین نمود. قابل ذکر است که وی در سال ۱۹۹۲ در کتاب شالوده و زیر ساخت برنامه درسی مجدداً آن را باز تدوین و مطرح نمود. جکسون سه رده در آموزش مدرسه ای را مطرح نمود که عبارتند از قوانین، دستورالعمل ها، و مقررات. اورلی (۱۹۷۰) نیز جزو اولین کسانی است که برنامه درسی پنهان را به صورت حاضر مطرح کرده است [۴].

جکسون، دو برنامه درسی را برای مدرسه قائل است. برنامه درسی آشکار و برنامه درسی پنهان. از دید وی، جمعیت، تشویق و قدرت سه مؤلفه برنامه درسی پنهان هستند که در ترکیب با یکدیگر طعم متمایزی به زندگی در کلاس درس می‌دهند که هر دانش آموز به منظور موفقیت در مدرسه باید تجربه کند و با آنها کنار آید. در واقع دانش آموزان، هنجارهایی را با عنایت به دارا بودن قدرت معلم، از جمعیت کلاس و نظام تشویق می‌آموزند، که این هنجارها همان برنامه درسی پنهان است. جکسون معتقد است که اگرچه این دو برنامه با هم مرتبط هستند اما سؤال همچنان باقی می‌ماند که آیا این دو برنامه همواره در یک راستا هستند یا اینکه در تقابل هم خواهند بود. در واقع این سؤال جواب مشخصی ندارد، همچنین جان دیوئی در کتاب تجربه تعلیم و تربیت به یادگیری حاشیه ای اشاره کرده است. [۱۲]

سیلور و همکاران، برنامه درسی پنهان را به عنوان راهبردهای یادگیرنده در عبور موفقیت آمیز از مانع برنامه درسی رسمی یا طرح ریزی شده می‌دانند. روست (۱۹۶۸) برنامه درسی را به یک کوه یخ تشبیه می‌کند. او اهداف، موضوعات، زمان بندی ها، مواد درسی، استانداردها و تکنولوژی موجود را مانند قسمت قابل دید کوه یخ می‌داند که همان برنامه درسی رسمی است. ولی آن قسمت که قابل دیدن نیست و قسمت بزرگتر و مهم تر می‌باشد برنامه درسی پنهان است که نزد معلمان، دانشجویان، والدین و برنامه ریزان تحت عناوین عقاید، گرایشها، انتظارات و انگیزه ها می‌باشد. او این بخش برنامه درسی را تا حدود زیادی ناشناخته می‌داند که مقدار کمی در مورد آن صحبت شده و اغلب نادیده گرفته شده است. [۱۳]

۴- رویکردها و نظریه‌های برنامه درسی پنهان:

همان‌طور که گفته شد برنامه درسی پنهان در طی چند دهه گذشته بسیار مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته است و هر یک از زاویه خاصی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند، به طوری که تا امروز بیش از هزاران مقاله و کتاب در مورد آن به رشته تحریر درآمده است. در ادامه به برخی از این نظریه‌ها و رویکردها اشاره شده است.

۱- **نظریه‌های ماهیتی:** تعدادی از نظریه پردازان، چیستی و ماهیت برنامه درسی پنهان را مد نظر قرار داده‌اند.

۲- **نظریه‌های کارکردی:** تعداد زیادی از نظریه‌ها و دیدگاه‌های مربوط به برنامه درسی پنهان، کارکردهای این پدیده و نوع واکنش فراگیران نسبت به آن را مطرح نموده‌اند

۳- **نظریه‌های ابعادی:** تعدادی از نظریه پردازان حوزه برنامه درسی، ابعاد و سطوح مختلف برنامه درسی پنهان را مورد توجه قرار داده‌اند. ملکی معتقد است هنگامی که صحبت از برنامه درسی «پنهان» می‌شود، باید ابتدا مشخص نماییم که این برنامه از دید چه کسی پنهان است؟ آیا نظام آموزشی از آنچه قرار است اجرا شود اطلاع دارد و آن را از حوزه آگاهی راگیرندگان و والدین دور نگاه میدارد؟ یا اینکه بالعکس؟ با مروری بر تاریخچه نسبتاً کوتاه کاربرد این مفهوم در ادبیات رشته برنامه درسی در می‌یابیم که اندیشمندان این حوزه آن را در معانی متفاوتی به کار برده‌اند و شاید به همین دلیل است که امروزه نوعی آشفتگی و عدم یقین نسبت به ماهیت این پدیده وجود دارد. [۷]

۴- **نظریه‌های عاملی:** تعدادی از دیدگاه‌ها به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک برنامه درسی پنهان پرداخته‌اند. با مروری بر ادبیات رشته برنامه درسی در می‌یابیم که صاحب نظران مختلف دیدگاه‌های متفاوتی درباره عوامل شکل‌دهنده برنامه درسی پنهان ذکر کرده‌اند. برخی، عوامل اجتماعی را مورد تأکید قرار داده‌اند، برخی بر محیط فیزیکی تأکید کرده‌اند و تعدادی نیز کتاب‌ها و متون درسی را مدنظر قرار داده‌اند.

۵- **نظریه‌های پیامدی:** برخی از پژوهش‌ها، به بررسی پیامدهای برنامه درسی پنهان پرداخته‌اند. البته نوع نگرش ما نسبت به مثبت یا منفی بودن ماهیت برنامه درسی، بر تبیین پیامدهایی که از آن انتظار داریم تأثیر می‌گذارد. کارکرد گرایان، که نگرشی مثبت نسبت به برنامه درسی پنهان دارند و آن را ابزاری برای جامعه پذیر نمودن دانش‌آموزان می‌دانند، معتقدند که برنامه درسی پنهان می‌تواند پیامدهای زیر را به همراه داشته باشد [۱]. عادات‌های بهداشتی، تفریحات سالم، علایق علمی و معنوی، ذوق هنری و زیبای شناسی، اخلاق پسندیده، وظیفه شناسی، احترام به انسانیت، رقابت سالم و صمیمانه، حضور به موقع در کلاس درس و اظهار علاقه به مواد درسی، اشاره کرد. [۵]

۵- برنامه درسی پنهان به عنوان فعالیت تربیتی:

در این رویکرد، تأکید بر نقش فرایندی برنامه درسی پنهان است. محققان، فعالیت‌های قابل مشاهده‌ای را شناسایی می‌کنند که از طریق تدریس اموری به غیر از آنچه در برنامه‌درسی آشکار به عنوان اهداف آموزشی مطرح است به عنوان برنامه درسی پنهان عمل می‌کنند. این رویکرد در برنامه درسی پنهان به بهترین وجه توسط دربین (۱۹۶۸) شکل گرفته است. دربین بر ساختار اجتماعی قابل شناسایی کلاس درس تأکید می‌نماید و استدلال می‌کند که ساختار کلاس، یادگیرندگان را با اقتدار آشنا می‌سازد. همچنین، محتوای ضمنی کتاب‌های درسی پیام‌هایی را در مورد تفکرات مرتبط با «کلیشه‌های فرهنگی»

منتقل می‌کنند که ممکن است با محتوای آشکار این کتاب‌ها در تعارض باشند. انتقادات شدید از آموزش مدرسه‌ای در آمریکا توسط بعضی مربیان در خلال دهه ۱۹۶۰ متوجه برخی از فعالیت‌ها در کلاس درس بود که به نظر آنها اثرات مخربی بر دانش-آموزان داشت به طوری که برنامه درسی رسمی قادر نبود به آنها در این مورد کمک چندانی کند. [۱۴]

۶- برنامه درسی پنهان به عنوان حاصل آموزش و پرورش (رویکرد انتقادی):

ولنس، رویکرد انتقادی را در رابطه با برنامه درسی پنهان مطرح می‌سازد که طرفداران آن مدارس را کمتر به خاطر فعالیت‌های روزمره‌شان و بیشتر به خاطر حاصل کار آنان مورد انتقاد قرار می‌دهند. در واقع آنان مدرسه را در بافت اجتماعی‌اش قرار داده و انتقادات را متوجه یادگیری‌های اجتماعی سیاسی می‌نمایند که آموزش مدرسه‌ای در کودکان ایجاد می‌کند. مدارس در مورد آنچه ناآگاهانه به نحو احسن انجام می‌دهند، مقصر قلمداد می‌شوند. اغلب کسانی که از این دیدگاه به برنامه درسی پنهان می‌نگرند، مدارس را به خاطر تثبیت یک ساختار اجتماعی غیرعادلانه و نابرابر مورد انتقاد قرار می‌دهند. ایلچ، بولز و جنتیس، مدارس را به خاطر بازتولید اختلافات طبقاتی جامعه سرمایه داری مورد انتقاد قرار می‌دهند [۴]. طرفداران رویکرد انتقادی معتقدند که یادگیرندگان به مراتب بیش از حد انتظار از پیام‌های نهفته مدرسه آگاهند و اغلب به طور آگاهانه در برابر آن مقاومت می‌کنند. [۱۱]

۷- تعمدی بودن یا غیر تعمدی بودن برنامه درسی پنهان:

آندرسون اشاره میکند که اگرچه واژه برنامه درسی پنهان دلالت ضمنی بر مبهم بودن تعمدی آن دارد، برنامه درسی پنهان بیشتر مانند پنهان شدن در یک عرصه آشکار است و برنامه درسی پنهان چیزی نیست که در اطراف دنبال آن بگردیم، بلکه در بیشتر مواقع در جلوی چشم ماست و در حال عمل کردن بدون هیچ کوشش و تلاشی است.، گری برنامه درسی پنهان را به عنوان پیام‌های غیر عمدی اما عملیاتی میداند که از طریق برنامه آموزشی وبه عنوان حاصل نیروهای زمینهای که شکل دهنده ادراکات، نگرشها و عملکردها هستند، توسط یادگیرندگان یاد گرفته می‌شود. [۱۰]

۸- عوامل شکل گیری برنامه درسی پنهان:

عوامل شکل دهنده برنامه درسی پنهان در ۳ دسته، ساختار و مقررات مؤسسه آموزشی، جو مؤسسه و ارتباطات بین افراد و تعامل بین مدرس و یادگیرنده توضیح داده می‌شود.

۱- **ساختار و مقررات مؤسسه آموزشی:** در هر مؤسسه آموزشی برای اداره امور مختلف قوانین و مقرراتی وجود دارد مانند نظام طبقه‌بندی، روش‌های ارزشیابی، مسائل انضباطی و تنبیه و تشویق، فعالیتهای گروهی و مشارکت یادگیرندگان در اداره امور و موارد مشابه. [۲]

۲- **جو مؤسسه و ارتباطات بین افراد:** جو اجتماعی مدرسه اگرچه یک عامل نافذ در مدرسه است ولی کمتر به صورت آشکار درک میشود. مدرسان در طرح ریزی آموزش باید به شرایط غیر رسمی و ارتباطات میان فردی که بین یادگیرندگان و

هیأت آموزشی وجود دارد توجه داشته باشند. روابط بین همگنان یک عامل مهم در تعلیم و تربیت است روابط انسانی متعددی در درون یک مؤسسه آموزشی وجود دارد که هر کدام آثار تربیتی خاص خود را دارا می باشد. [۶]

۳- **تعامل بین مدرس و یادگیرنده:** تعامل مدرسین و یادگیرندگان در کلاس درس تحت تأثیر ساختار مؤسسه و سازمان اجتماعی غالب بر آن است. این گونه ارتباطات به نوبه خود یک اثر مستقیم بر یادگیری می تواند داشته باشد. [۲]

۹- رابطه تدریس با برنامه درسی پنهان:

معمولاً در طراحی آموزشی به عوامل آشکار توجه شده و از عوامل پنهان غفلت میشود. پس لازم است که عوامل مربوط به برنامه درسی پنهان شناسایی شوند و در طراحی و اجرا تاحدودی تحت کنترل درآیند. مشارکت یادگیرندگان در آموزش میتواند به کم کردن فاصله بین برنامه درسی پنهان و آشکار کمک کند. همچنین در صورت آگاهی مدرس از تأثیر نوع برخورد در هنگام ارزشیابی، تلاش میکند تا رفتار خود را به منظور تقویت ارزشها و گرایشهای مطلوب تنظیم نماید. پس مدرس باید عوامل مؤثر در برنامه درسی پنهان را شناسایی کند و با در نظر گرفتن آنها در طراحی و اجرای آموزش منطقی تر عمل نماید. [۶]

برنامه درسی پنهان و تاثیر آن بر سیستم آموزشی:

آهولا (۲۰۰۰) مفهوم برنامه درسی پنهان را در چهار بعد مطرح می سازد که عبارتند از یادگیری چگونه یادگرفتن ، یادگیری حرفه، یادگیری تخصص و یادگیری قواعد بازی. یادگیری چگونه یادگرفتن به ویژه در ارتباط با یادگیرنده مادامالعمر بودن مطرح می شود. منظور از یادگیری حرفه، کسب شایستگی ها و مهارت های تکنیکی مرتبط با انجام وظایف در هر حرفه است. بنابراین یک جزء مهم آموزش حرفه ای شامل فراهم ساختن موقعیت هایی برای تعامل و همچنین کسب نگرش ها، هنجارها و فکر کردن مانند یک متخصص است که تعریف کننده یک عملکرد حرفه ای است. [۹]

۱۰- ابعاد برنامه درسی پنهان:

برنامه درسی پنهان از نظر جنبه های گوناگون آن در سه مقوله مطرح می گردد. برنامه درسی پنهان به عنوان برون داد، به عنوان زمینه و به عنوان فرایند که در اینجا هر کدام شرح مختصری داده می شود.

برنامه درسی پنهان به عنوان برون داد: بیشتر نوشته های راجع به برنامه درسی پنهان مربوط به ارزش ها، موضع گیری ها، هنجارها، نگرش ها و مهارت هایی است که یادگیرندگان به صورت مستقل از موضوعات شناختی یاد می گیرند. [۱۱]

برنامه درسی به عنوان زمینه: یادگیری مدرسه ای در کل، به عنوان یادگیری شناخته می شود که معمولاً با ساختارهای تعریف شده و مشخص، در زمینه عقلانی خاصی که همان کلاس درس است و احاطه شده توسط فضای فیزیکی و اجتماعی ویژه ای که همان مدرسه است، شکل می گیرد.

برنامه درسی به عنوان فرایند: بر اساس این دیدگاه، برنامه درسی پنهان از برنامه درسی آشکار توسط روشی که تدریس آن انتقال پیدا می کند، متمایز می گردد. به این معنی که سبک انتقال به صورت ضمنی یا ناهوشیارانه است و برنامه درسی پنهان بر اساس شیوه انتقال پیام ها و تأثیرگذاری و نفوذ آن از برنامه درسی آشکار متمایز می شود. [۱۱]

۱۱- نتیجه گیری:

برنامه درسی پنهان یکی از مباحث نسبتاً نو در حیطه برنامه درسی می باشد. توجه به این برنامه می تواند فاصله بین برنامه درسی برنامه ریزی شده و نتایج حاصل از آن را بر ما آشکار کند. در این رابطه از سوی دانشمندان مختلف نظریات مختلف و متنوعی ارائه شده است که به روشن شدن زوایای مختلف این پدیده نوظهور کمک شایانی نموده است. تأثیر این برنامه در محیط های آموزشی نه در کسب حقایق علمی بلکه در فرهنگ علم آموزی موثر است و اخلاق اجتماعی دانش آموزان را شکل می دهد.

منابع

۱. دوانلو، میترا، (۱۳۸۷)، برنامه درسی پنهان. ساری: انتشارات شفلین.
۲. سیلور، جی؛ گالن، الکساندر، ویلیام ام؛ لوئیس، آرتور جی. (۱۳۸۰)، برنامه ریزی درسی برای آموزش و یادگیری بهتر. ترجمه غلامرضا خوی نژاد. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳. شورین الاحسنی، مهناز؛ فولادی پناه، علی اصغر، (۱۳۹۳)، برنامه درسی پنهان، پنهان از دید چه کسی؟
۴. طالبزاده نوبریان، محسن؛ فتحی واجارگاه، کوروش، (۱۳۸۲)، مباحث تخصصی برنامه ریزی درسی. تهران: نشر آبیژ.
۵. علیخانی، محمدحسین؛ مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۳)، بررسی پیامدهای قصدنشده (برنامه درسی پنهان) ناشی از محیط اجتماعی مدارس دوره متوسطه اصفهان مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره- های ۲ و ۳، ص ۱۴۶-۱۲۱
۶. ملکی، حسن، (۱۳۸۵)، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: انتشارات راه اندیشه.
۷. مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۷)، برنامه درسی پنهان در برنامه درسی: نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها. ویراست دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
۸. مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۷)، میزگرد تخصصی بازشناسی مفهوم و کاربرد برنامه درسی پنهان. دومین نشست ماهیانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران در سال ۱۳۸۷، تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۹. Ahola, S. (2000). *Hidden curriculum in higher education: something to fear for or comply to? Conference title: Innovations in higher education. Helsinki. 30/08/2000*
۱۰. Anderson, T. (2002). *Revealing the hidden curriculum of E-learning. In C. Vrasidas & G. V. Glass (Eds.), Current perspectives in applied information technologies (1st ed., pp.23). Greenwich: Information Age Publishing*
۱۱. Husen, T. & Postlethwaite, T. N. (1994). *The international encyclopedia of education. (2nd ed.) Oxford: Pergamon.*
۱۲. Jackson, P. W. (1968). *The daily grind. In D.J.Flinders & S. J. Thornton (Eds.), The curriculum studies reader (pp. 93-102). New York: Routledgefalmer*
۱۳. Silver, H. K. & Glick, A. D. (1990). *Medical student abuse: incidence, severity and significance. Journal of American Medical Association, 263, 527-432.*
۱۴. Vallance, E. (1991). *Hidden curriculum. In A.Lewy (Ed.), International encyclopedia of curriculum, Pergamon Press.*